

## Career Indecision in Boys: The Role of Individual Factors and Parenting Styles

Nayere Parishany. M.A.

Psychology, University of Isfahan

Parisa Nilforooshan. Ph.D.

Academic member, University of Isfahan

## بی‌تصمیمی مسیر شغلی در پسران: نقش عوامل فردی و سبک‌های فرزندپروری والدین

نیره پریشانی

کارشناس ارشد مشاوره دانشگاه اصفهان

پریسا نیلفروشان\*

عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان

### Abstract

The purpose of this study was to explore the role of parenting styles, career decision making self-efficacy, and emotional intelligence on male young adults' career indecision. The research used correlational design. The statistical population involved all boy students studying in high schools of Isfahan city. Using multi-stage cluster sampling, 200 students selected randomly, from 4 high schools located in the 4 and 5 educational districts of the Isfahan. Research instruments involved emotional intelligence questionnaire, Petrides and Furenham (2002), career decision making self-efficacy, Tylor and Betz (1983), the career indecision questionnaire, Osipow, Caney and Barak (1976), and parenting styles questionnaire, Baumrind (1988). The first three questionnaire completed by students and the last one completed by their mothers. Pearson correlation test and stepwise regression analysis were employed in data analysis. The results of stepwise regression showed that authoritative style, career decision making self-efficacy, emotional intelligence and the permissive style can predict career indecision respectively ( $P < 0.01$ ).  
**Keywords:** self-efficacy, career indecision, parenting styles, career decision making, emotional intelligence.

### چکیده

هدف این پژوهش بررسی نقش سبک‌های فرزندپروری، خودکارآمدی تصمیم‌گیری شغلی و هوش هیجانی در بی‌تصمیمی مسیر شغلی پسران بود. طرح پژوهش از نوع همبستگی است. جامعه آماری همه دانش‌آموزان پسر دبیرستان‌های شهر اصفهان بود. ۲۰۰ دانش‌آموز به روش تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای از بین چهار دبیرستان ناحیه ۴ و ۵ آموزش و پرورش شهر اصفهان انتخاب شدند. ابزارهای سنجش عبارت بودند از پرسشنامه هوش هیجانی پترایدز و فارنهام (۲۰۰۲)، مقیاس خودکارآمدی تصمیم‌گیری مسیر شغلی تیلور و بتز (۱۹۸۳) و پرسشنامه بی‌تصمیمی مسیر شغلی اسپو، کارنی و باراک (۱۹۷۶) و پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری باومریند (۱۹۸۸). برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد که از بین عوامل مذکور به ترتیب سبک مقتدرانه، خودکارآمدی تصمیم‌گیری مسیر شغلی، هوش هیجانی و سبک سهل‌گیرانه، بی‌تصمیمی مسیر شغلی را به صورت معنادار پیش‌بینی می‌کنند ( $P < 0.01$ ).  
**واژه‌های کلیدی:** بی‌تصمیمی مسیر شغلی، سبک‌های فرزندپروری والدین، خودکارآمدی، تصمیم‌گیری مسیر شغلی، هوش هیجانی

## مقدمه

والدینشان زندگی می‌کنند و از آنها تأثیر می‌گیرند، تصمیم‌گیری مسیر شغلی در زمینه رابطه‌ای اتفاق می‌افتد. همچنین براساس یافته‌های پژوهش‌های دیتریچ و کراک<sup>۱۴</sup> (۲۰۰۹) و سایتی و میتروسیلی<sup>۱۵</sup> (۲۰۰۵) در این دوره والدین نوجوانان تأثیر زیادی بر تصمیمات مسیر شغلی آنها دارند. با وجود ویژگی‌های فردی و رابطه‌ای خاص، ضروری به نظر رسید که رابطه عوامل فردی و خانوادگی را با بی‌تصمیمی مسیر شغلی نوجوانان بیابیم.

یکی از عوامل مربوط به خانواده که در تحقیقات قبلی نشان داده شد که بر جنبه‌های مختلف عملکرد فرزندان تأثیر می‌گذارد، سبک‌های فرزندپروری<sup>۱۶</sup> والدین است (بامریند<sup>۱۷</sup>، ۱۹۷۱؛ نقل از کوموندورو، تسایوسیسی و کوننو، ۲۰۱۱). به عقیده دسجاردنیز، زلنسکی و کپلان<sup>۱۸</sup> (۲۰۰۸) سبک‌های تربیتی والدین منظومه‌ای از بازخوردهای آنها نسبت به کودک است که در مجموع، جو هیجانی را در رفتارهای ابرازی والدین ایجاد می‌کند. طبق دیدگاه باومریند، سبک‌های فرزندپروری به سه دسته سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه تقسیم می‌شوند. سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه در والدینی وجود دارد که روابط گرمی با فرزندان خود دارند و هیچ تسلطی بر روی رفتار آنها ندارند و یا بسیار کم است. سبک فرزندپروری مستبدانه در والدینی دیده می‌شود که انتظار اطاعت یا فرمانبرداری شدید از فرزندانشان دارند و همچنین تمایل به اعمال سلطه از طریق تنبیه دارند. و درنهایت، سبک فرزندپروری مقتدرانه در والدینی وجود دارد که رفتار والدینی انعطاف‌پذیر، واضح، روشن و باثبات دارند. آنها در عین حال که به نظرات فرزندانشان گوش می‌کنند، به استقلال و خودمختاری آنها احترام می‌گذارند و واقعیت‌ها را می‌پذیرند (کوموندورو و همکاران، ۲۰۱۱). یافته‌های پژوهش‌های کراک (۱۹۹۷) و اسمیت - رادرموند و ندراسک<sup>۱۹</sup> (۱۹۹۹) رابطه مثبت سبک مقتدرانه با رفتار اکتشافی مسیر شغلی کودکان و نوجوانان را نشان داد. همچنین تراستی<sup>۲۰</sup> (۱۹۹۸) تأثیر دخالت شدید والدین بر تصمیم‌گیری مسیر شغلی را یافت. در پژوهش ویستون<sup>۲۱</sup> (۱۹۹۶) نیز یک رابطه معکوس بین سبک

تصمیم‌گیری مسیر شغلی یکی از پیچیده‌ترین و مهمترین تصمیم‌هایی است که فرد در مسیر زندگی خود با آن روبه‌رو می‌شود. تصمیم‌گیری مسیر شغلی<sup>۱</sup> یک وظیفه روانی اجتماعی فردی است (سوپر، ساویکس و سوپر<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶). در این فرایند عوامل بسیاری از جمله مهارت‌ها و توانایی‌ها، اهداف زندگی، ترجیحات مسیر شغلی و انتظارات خود و افراد مهم زندگی نیاز به توجه و بررسی دارند. بنابراین می‌توان گفت مشکلات موجود در فرایند تصمیم‌گیری مسیر شغلی بسیار کلی و گسترده است. از جمله این مشکلات می‌توان به بی‌تصمیمی مسیر شغلی اشاره نمود. بی‌تصمیمی مسیر شغلی<sup>۳</sup> مسأله‌ای است که ممکن است ذهن دانش‌آموزان دبیرستان، دانشجویان دانشگاه و کودکان سنین پیش از نوجوانی را درگیر خود گرداند (کرید، پتون و پرایدکس<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶).

به نظر کراس و هاگی<sup>۵</sup> (۱۹۹۹)، بی‌تصمیمی شغلی عبارت است از اطمینان نداشتن در مورد رشته تحصیلی و تردید درباره شغل آینده که با عقاید خودکارآمدی تصمیم‌گیری شغلی رابطه دارد. براساس نظریه گستره زندگی سوپر و نظریه محدودیت و سازش گاتفردسون (لنت و براون<sup>۶</sup>، ۲۰۱۳) دوره نوجوانی دوره بسیار مهم و حیاتی در زندگی انسان است، چون همه ویژگی‌های اساسی شخصیت و علایق شغلی، ارزش‌های کاری و انتخاب‌های مسیر شغلی در این دوره شکل می‌گیرد. بسیاری از دانش‌آموزان در این دوره با مشکلات بسیاری مواجه می‌شوند که این مشکلات ممکن است ناشی از عوامل فردی همچون فقدان آمادگی تصمیم‌گیری مسیر شغلی، نداشتن خودآگاهی و اطلاعات در مورد مسیر شغلی (کوموندورو و کاسوتاکیس<sup>۷</sup>، ۲۰۰۷)، هوش هیجانی پایین (براون، جورج - کوران و اسمیت<sup>۸</sup>، ۲۰۰۳) و خودکارآمدی پایین (دی‌فایبو، پالازسچی، اسولین پرتز و گتی<sup>۹</sup>، ۲۰۱۳) و یا عوامل رابطه‌ای همچون کیفیت کم رابطه والد - نوجوان (ویترا<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۷) نقل از کوموندورو، تسایوسیسی و کوننو<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۱) باشد. از دیدگاه بولوستین<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۱) و فلام<sup>۱۳</sup> (۲۰۰۱) چون نوجوانان با

1. carrer decision making

3. career indecision

5. Kraus & Hughey

7. Koumoundourou & Kassotakis

9. Di Fabio, Palazzeschi, Asulin- peretz, Gati

11. Koumoundourou, Tsausis & Kounenou

13. Flum

15. Saiti & Mitrosili

17. Baumrind

19. Schmitt-Rodermund & Vondracek

21. Whiston

2. Super, Savickas & Super

4. Creed, Patton & Prideaux

6. Lent & Brown

8. Brown, George-Curran & Smith

10. Voutyra

12. Blustein

14. Dietrich & Kracke

16. parenting styles

18. Desjardins, Zelenski & Coplan

20. Trusty

زندگی، توانایی ادارهٔ خلق و خو، وضع روانی و غلبه بر تکانش‌هاست، که به هنگام شکست ناشی از دست نیافتن به هدف در شخص انگیزه و امید ایجاد می‌کند و فرد را قادر می‌سازد تا ضمن شناخت خود و دیگران به ایجاد ارتباطات مناسب با مردم و سازگاری با محیط بپردازد. یانگ، والچ و کلین<sup>۱۲</sup> (۱۹۹۶) یک نظریهٔ زمینه‌ای مسیر شغلی ارائه داده‌اند که در آن عواطف با دادن انگیزه و انرژی (غلبه بر عواطف منفی با پردازش مسیر شغلی برای تصمیم‌گیری رابطه دارد) و مهار و تنظیم رفتار (مثل مهار عواطف برای تصمیم‌گیری) و کمک به افراد برای شکل‌دهی داستان‌های مسیر شغلی که حاکی از تجاربشان است، نقش مهمی در پردازش عاطفی و روان‌شناختی مسیر شغلی دارند. در درک نقش عواطف در رفتارهای مربوط به مسیر شغلی پژوهشگران هوش هیجانی را به‌عنوان یک عامل مهم و حساس در موفقیت مسیر شغلی معرفی کرده‌اند (گلمن، ۱۹۹۸). حامیان این مفهوم معتقدند، افرادی که هوش هیجانی بالاتری دارند، بهتر می‌توانند تجارب هیجانی خود را با افکار و اعمالشان یکی کنند. بنابراین توانایی هدایت افکار و اعمال با داشتن احساسات مفید و مؤثر هنگام انجام وظایف و اعمال مربوط به مسیر شغلی رابطه دارد، به‌عبارت دیگر هوش هیجانی در فرایند تصمیم‌گیری مسیر شغلی کمک می‌کند (براون و همکاران، ۲۰۰۳). دی‌فابیو و پالازسچی<sup>۱۳</sup> (۲۰۰۸) در پژوهش خود به رابطهٔ هوش هیجانی پایین با مشکلات بیشتر تصمیم‌گیری دست یافتند.

با وجود پژوهش‌های گفته شده در مورد سبک‌های فرزندپروری، خودکارآمدی تصمیم‌گیری مسیر شغلی و هوش هیجانی، به‌عنوان عوامل مهم پیش‌بینی‌کننده فرایند تصمیم‌گیری مسیر شغلی، تاکنون پژوهش‌های محدودی، به بررسی همزمان این متغیرها پرداخته‌اند، بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی رابطهٔ بین عوامل فردی و خانوادگی (خودکارآمدی تصمیم‌گیری مسیر شغلی، هوش هیجانی و سبک‌های فرزندپروری) با بی‌تصمیمی مسیر شغلی و همچنین تعیین سهم هر یک از این عوامل در پیش‌بینی بی‌تصمیمی مسیر شغلی نوجوانان بود. بر این اساس فرضیه‌های پژوهش حاضر عبارت‌اند از: ۱- سبک فرزندپروری مقتدرانه بی‌تصمیمی مسیر شغلی را پیش‌بینی می‌کند ۲- سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه

فرزندپروری مستبدانه والدین و بی‌تصمیمی دختران نشان داده شد. همچنین در یافته‌های سانتس و کویمیرا<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) هیچ‌گونه رابطه‌ای بین تعارض عاطفی و بی‌تصمیمی مسیر شغلی در میان دانش‌آموزان کلاس دوازدهم وجود نداشت. با وجود شواهد پژوهشی، هنوز دانش در مورد ماهیت واقعی تأثیر والدین بر مسیر شغلی فرزندان محدود و ناهمخوان است.

براساس نتایج گفته شده در بالا به نظر می‌رسد، بررسی نقش سبک‌های فرزندپروری بر بی‌تصمیمی مسیر شغلی نیاز به پژوهش‌های بیشتری دارد، به همین دلیل بررسی چگونگی رابطهٔ سبک‌های فرزندپروری با بی‌تصمیمی مسیر شغلی ضروری به نظر می‌رسد.

یکی از عوامل فردی و یک مفهوم نسبتاً جدید در حوزهٔ شخصیت که در مورد تأثیر آن بر بی‌تصمیمی مسیر شغلی پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته، خودکارآمدی تصمیم‌گیری مسیر شغلی<sup>۲</sup> است. خودکارآمدی تصمیم‌گیری مسیر شغلی، میزانی است که فرد به توانایی‌اش برای انجام موفقیت‌آمیز وظایف مربوط به فرایند تصمیم‌گیری مسیر شغلی مثل جمع‌آوری اطلاعات شغلی، انتخاب هدف، طرح‌ریزی برای آینده و حل مشکلات اطمینان دارد (بتز، کلین و تایلر<sup>۳</sup>، ۱۹۹۶). گای، سنکال، گاتر و فرنست<sup>۴</sup> (۲۰۰۳) دیدگاه نظریهٔ خودتعیین‌گری را برای بررسی عوامل مؤثر بر بی‌تصمیمی مسیر شغلی که شامل خودکارآمدی تصمیم‌گیری مسیر شغلی است، استفاده کردند. براساس نظریهٔ خودتعیین‌گری؛ شایستگی، ارتباط و خودمختاری عوامل مؤثر بر انگیزش رفتار هستند و افرادی که ذاتاً مطمئن و با انگیزه هستند و از دیگران حمایت دریافت می‌کنند، بی‌تصمیمی مسیر شغلی کمتری دارند (کرید و همکاران، ۲۰۰۶). گزارش شده که خودکارآمدی تصمیم‌گیری مسیر شغلی با بی‌تصمیمی مسیر شغلی رابطهٔ معکوس دارد (راجرز، کرید و گلندون<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸؛ کرید و پتون، ۲۰۰۳؛ کرنسپان و اتزل<sup>۶</sup>، ۲۰۰۱؛ لوزو<sup>۷</sup>، ۱۹۹۵؛ دی‌فابیو و همکاران، ۲۰۱۳؛ نتا، فراری، سالبرگ، سرسی<sup>۸</sup>، ۲۰۰۷؛ گای و همکاران، ۲۰۰۳؛ کرید، پتون، بارتروم<sup>۹</sup>، ۲۰۰۴).

هوش هیجانی را سالووی و مایر<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۰) مطرح کردند. به عقیدهٔ گلمن<sup>۱۱</sup> (۱۹۹۵)، هوش هیجانی؛ شناخت احساسات خویش و استفاده از آن برای اتخاذ تصمیم‌های مناسب در

1. Santos &amp; Coimbra

3. Betz, Klein &amp; Tylor

5. Rogers, Creed &amp; Glendon

7. Luzzo

9. Creed, Patton &amp; Bartrum

11. Golman

13. Di Fabio &amp; Palazzeschi

2. career decision making self-efficacy

4. Guay, Senecal, Gauthier &amp; Fernet

6. Kornspan &amp; Etzel

8. Nota, Ferrari, Solberg &amp; Soresi

10. Mayer &amp; Salovey

12. Yang, Valach &amp; Collin

حداقل نمره در این پرسشنامه ۱۶ و حداکثر ۶۴ است که نمرات بالاتر در این پرسشنامه میزان بالاتر بی‌تصمیمی مسیر شغلی را نشان می‌دهد. اسپو و همکاران برای این مقیاس پایایی ۰/۹۵ را از طریق آلفای کرونباخ گزارش کردند. این پرسشنامه را کریمی (۱۳۸۷) بر روی ۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه اصفهان اجرا کرد و پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۱ گزارش داد که ضریب مطلوبی برای این پرسشنامه است. در پژوهش آنان روایی محتوایی پرسشنامه را ۵ نفر از استادان مشاوره تأیید کردند. همچنین روایی همگرا را در پژوهشی هارتمن و هارتمن<sup>۲</sup> (۱۹۸۲)، روایی سازه را در پژوهشی هارتمن، فوکوآ و هارتمن<sup>۳</sup> (۱۹۸۳) و روایی پیش‌بین را در پژوهشی هارتمن، فوکوآ، بلام و هارتمن (۱۹۸۵) نشان دادند. در این پژوهش، روایی محتوای پرسشنامه را پنج نفر از استادان مشاوره و روان‌شناسی تأیید کردند، پایایی نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۶ محاسبه گردید. به‌عنوان نمونه یکی از سؤالات پرسشنامه «شغل خود را انتخاب کرده‌ام و احساس خوبی نسبت به آن دارم، همچنین می‌دانم چگونه انتخابم را عملی کنم» بود.

**مقیاس شیوه‌های فرزندپروری:** این مقیاس را باومریند (۱۹۸۸) ساخته است (عریضی، عابدی، ۱۳۸۴). این ابزار سه زیرمقیاس دارد: شیوه سهل‌گیرانه (۱۰ جمله: ۲۸، ۲۴، ۲۱، ۱۹، ۱۷، ۱۴، ۱۳، ۱۰، ۶، ۱)، شیوه مقتدرانه (۱۰ جمله: ۳۰، ۲۷، ۲۳، ۲۲، ۲۰، ۱۵، ۱۱، ۸، ۵، ۴) و شیوه مستبدانه (۱۰ جمله: ۲۹، ۲۶، ۲۵، ۱۸، ۱۶، ۱۲، ۹، ۷، ۳، ۲). در ایران، اسفندیاری (۱۳۷۴) روایی محتوایی این ابزار را گزارش کرد. همچنین میزان پایایی آن را نیز به روش بازآزمایی از ۰/۷۷ تا ۰/۶۹ گزارش داده است. بوری<sup>۴</sup> (۱۹۹۳) میزان پایایی این مقیاس را با استفاده از روش بازآزمایی بین خرده‌مقیاس‌ها ۰/۷۸، ۰/۸۰ و ۰/۸۱ محاسبه کرده است (عریضی، عابدی، ۱۳۸۴). در این پژوهش، میزان آلفا برای سه خرده‌مقیاس سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۷۰ و ۰/۶۵ محاسبه گردید. یکی از سؤالات پرسشنامه «والدین باید به فرزندان خود اجازه دهند، هر آنچه را می‌خواهند انجام دهند».

**مقیاس خودکارآمدی تصمیم‌گیری مسیر شغلی:** این مقیاس را تیلور و بتز در سال ۱۹۸۳ تدوین کردند (کریمی، ۱۳۸۷). این پرسشنامه پنج شایستگی در زمینه انتخاب شغل براساس مدل کرایتز<sup>۵</sup> (۱۹۶۱) را ارزیابی می‌کند. بنابراین سؤالات این پرسشنامه در این حیطه‌ها است: (۱) ارزیابی مناسب از خود، (۲) جمع‌آوری اطلاعات شغلی، (۳) انتخاب هدف، (۴) طرح‌ریزی برای آینده، (۵) حل مسأله. پرسشنامه بر روی یک مقیاس چهار

بی‌تصمیمی مسیر شغلی را پیش‌بینی می‌کند ۳- سبک فرزندپروری مستبدانه بی‌تصمیمی مسیر شغلی را پیش‌بینی می‌کند ۴- خودکارآمدی تصمیم‌گیری مسیر شغلی بی‌تصمیمی مسیر شغلی را پیش‌بینی می‌کند ۵- هوش هیجانی بی‌تصمیمی مسیر شغلی را پیش‌بینی می‌کند. همچنین این پژوهش به بررسی سهم هر یک از این عوامل در پیش‌بینی بی‌تصمیمی مسیر شغلی در نوجوانان پسر پرداخت.

## روش پژوهش

### جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

طرح پژوهش حاضر از نوع توصیفی همبستگی بود. در این پژوهش، سبک‌های فرزندپروری، خودکارآمدی تصمیم‌گیری مسیر شغلی و هوش هیجانی متغیرهای پیش‌بین و بی‌تصمیمی مسیر شغلی متغیر ملاک بود. جامعه آماری پژوهش را همه دانش‌آموزان دبیرستان شهر اصفهان در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ تشکیل می‌دادند. برای نمونه آماری براساس جدول مورگان (بیابان‌گرد، ۱۳۸۶)، ۲۰۰ دانش‌آموز پسر انتخاب گردید. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای تصادفی بود، به این صورت که ابتدا از بین ۵ ناحیه آموزش و پرورش شهر اصفهان، ناحیه ۴ و ۵ به‌صورت تصادفی انتخاب شدند، در مرحله دوم از هر ناحیه به‌صورت تصادفی یک دبیرستان پسرانه و از هر دبیرستان چهار کلاس (اول، دوم، سوم و چهارم) انتخاب گردید، ۲۲۰ دانش‌آموز به‌طور تصادفی انتخاب گردید، پس از آن پرسشنامه بی‌تصمیمی مسیر شغلی، هوش هیجانی و خودکارآمدی تصمیم‌گیری مسیر شغلی در بین دانش‌آموزان و پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری در بین مادران آنها توزیع شد، ۲۰ پرسشنامه قابلیت تحلیل نداشت و در مجموع ۲۰۰ پرسشنامه تحلیل گردید.

## ابزار

**مقیاس بی‌تصمیمی مسیر شغلی:** اسپو، کارنی و باراک<sup>۱</sup> مقیاس بی‌تصمیمی مسیر شغلی را در سال ۱۹۷۶ تدوین کردند (کریمی، ۱۳۸۷). این پرسشنامه ۱۸ سؤال دارد که میزان بی‌تصمیمی شغلی را در بین دانش‌آموزان و دانشجویان دانشگاه اندازه‌گیری می‌کند. سؤال ۱ و ۲، انتخاب فرد در زمینه تحصیل و شغل را اندازه می‌گیرد و سؤالات ۳ تا ۱۸ بی‌تصمیمی شغلی افراد را اندازه‌گیری می‌کند. پرسشنامه بر روی یک مقیاس از کاملاً موافقم (۴) تا کاملاً مخالفم (۰) اندازه‌گیری می‌شود.

1. Osipow, Carney & Barak  
3. Hartman, Fuqua & Hartman  
5. Crites

2. Hartman & Hartman  
4. Buri

روش تحلیل عوامل و روایی سازه، روایی بالایی را برای این پرسشنامه به دست آورد. همچنین ضریب پایایی ابزار از طریق همسانی سؤالات با استفاده از فرمول ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی مطلوب این پرسشنامه است. در این پژوهش، روایی محتوای پرسشنامه را پنج نفر از استادان مشاوره و روان‌شناسی تأیید کردند. همچنین، پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۷ محاسبه گردید. یکی از سؤالات پرسشنامه «گرایش دارم مکرراً تصمیم‌هایم را عوض کنم».

### روش اجرا

پس از اخذ اجازه از آموزش و پرورش و انجام هماهنگی‌های لازم نمونه مورد نظر انتخاب گردید. سپس دانش‌آموزان و مادرانشان در مورد چگونگی تکمیل پرسشنامه‌ها توجیه شدند و آزمون‌های مربوط به دانش‌آموزان به شکل گروهی و سر کلاس اجرا گردید. پرسشنامه‌های سبک‌های فرزندپروری نیز پس از تکمیل توسط مادران در منزل، جمع‌آوری گردید. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS19 تحلیل شد، همچنین در تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون مرحله‌ای گام به گام استفاده شد.

### نتایج

برای بررسی رابطه بین ۳ سبک فرزندپروری، خودکارآمدی تصمیم‌گیری مسیر شغلی و هوش هیجانی با بی‌تصمیمی مسیر شغلی از ماتریس ضریب همبستگی پیرسون (جدول ۱) و برای تعیین عوامل پیش‌بین و سهم نسبی آنها از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد.

جدول ۱- ماتریس همبستگی بین متغیرها

متغیرها	سبک سهل‌گیرانه	سبک مستبدانه	سبک اقتدارگرا	خودکارآمدی تصمیم‌گیری مسیر شغلی	هوش هیجانی	بی‌تصمیمی شغلی
سبک سهل‌گیرانه	۱	-	-	۰/۴۶**	۰/۲۴**	-۰/۴۵**
سبک مستبدانه	-	۱	-	-۰/۱۸**	۰/۰۴	-۰/۰۲
سبک مقتدرانه	-	-	۱	۰/۴۹**	۰/۵۱**	-۰/۰۶**
خودکارآمدی تصمیم‌گیری مسیر شغلی	-	-	-	۱	۰/۴۷**	-۰/۵۸**
هوش هیجانی	-	-	-	-	۱	-۰/۵۵**
بی‌تصمیمی مسیر شغلی	-	-	-	-	-	۱

\*\* P<۰/۰۱

\* P<۰/۰۵

درجه‌ای از نداشتن اعتماد به نفس تا اعتماد به نفس کامل است. تعداد سؤالات این آزمون ۲۵ سؤال است. تی‌لور و بتز (۱۹۸۳) پایایی ۰/۹۷ از طریق آلفای کرونباخ را برای این مقیاس محاسبه کردند (کریمی، ۱۳۸۷). در پژوهشی که این پژوهشگر بر روی ۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه اصفهان انجام داد، پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۳ به دست آمد. بتز و همکاران (۱۹۹۶)؛ کرید، پتون و واتسون<sup>۲</sup> (۲۰۰۲)؛ واتسون، برنند، استید و الیس<sup>۳</sup> (۲۰۰۱) روایی گسترده‌ای برای این پرسشنامه نشان دادند. همچنین در آن پژوهش، روایی محتوای پرسشنامه را پنج نفر از استادان مشاوره و روان‌شناسی تأیید کردند. پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۱ محاسبه گردید. یکی از سؤالات پرسشنامه «ارزیابی صحیح توانایی‌هایتان» پرسشنامه هوش هیجانی: این پرسشنامه را که پترایدز و فارنهام<sup>۴</sup> (۲۰۰۲) طراحی کرده‌اند ۳۰ سؤال دارد و به هر سؤال نمره ۱ تا ۷ (از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) داده می‌شود. البته در سؤالات (۲۸، ۲۶، ۲۵، ۲۲، ۱۸، ۱۶، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۰، ۸، ۷، ۵، ۴، ۲) طریقه نمره‌گذاری معکوس است. این پرسشنامه چهار عامل خوشبینی (ماده‌های ۳، ۵، ۱۲، ۱۳، ۲۰، ۲۴، ۲۷)، درک عواطف خود و دیگران (۶، ۹، ۱۱، ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۳، ۲۹)، کنترل عواطف (۴، ۷، ۱۰، ۱۴، ۱۸، ۲۲، ۲۵) و مهارت‌های اجتماعی (۱، ۲، ۸، ۱۶، ۲۶، ۲۸) را می‌سنجد. همسانی درونی تمام‌عیار این پرسشنامه را پترایدز و فارنهام (۲۰۰۳)، ۰/۸۶ محاسبه کرده‌اند. همین‌طور روایی بالای این ابزار، از طریق بررسی رابطه هر سؤال با کل پرسشنامه، تأیید گردیده است. در تحقیقی که مارانی (۱۳۸۲) در ایران در مورد هنجاریابی این پرسشنامه بر روی یک نمونه ۳۰۰ نفری دانشجویان و دانش‌آموزان شهر اصفهان انجام داده، وی از طریق

جدول ۲- ضرایب رگرسیون خام و استاندارد برای معادله پیش‌بینی بی‌تصمیمی مسیر شغلی

Sig	T	Beta	SE	B	متغیرهای پیش‌بین
۰/۰۰۱	-۵/۰۹۰	-۰/۳۱۲	۰/۵۲۷	-۲/۶۸۳	سبک مقتدرانه
۰/۰۰۱	-۴/۱۵۳	-۰/۲۶۱	۰/۰۶۳	-۰/۲۶۲	خودکارآمدی تصمیم‌گیری شغلی
۰/۰۰۱	-۳/۵۲۵	-۰/۲۱۷	۰/۰۲۸	-۰/۰۹۸	هوش هیجانی
۰/۰۱۵	-۲/۴۶۰	-۰/۱۴۱	۰/۴۵۶	-۱/۱۲۲	سبک سهل‌گیرانه
۰/۰۰۱	۲۳/۶۹۵		۴/۰۱۹	۹۵/۲۳۲	مقدار ثابت

مقتدرانه و سهل‌گیرانه بی‌تصمیمی مسیر شغلی نوجوانان را به صورت منفی پیش‌بینی می‌کنند. این به معنی آن است که دانش‌آموزانی که والدینشان کنترل معقول بر رفتار فرزندانشان دارند و محیط گرم و پذیرایی برای آنها فراهم می‌کنند و دانش‌آموزانی که والدینشان هیچ‌گونه کنترلی بر رفتار آنها ندارند و محیط کاملاً آزاد و بدون نظارت برای آنها فراهم می‌کنند، مشکلات کمتری را در تصمیم‌گیری‌های خود تجربه می‌کنند. در توجیه این یافته از این پژوهش می‌توان گفت سبک تربیتی مستقل‌پرور و توأم با پذیرش و تشویق و همچنین سبک تربیتی آزادگذار والدین اعتماد به توانایی را در فرزندان افزایش می‌دهد، بنابراین آنها در تصمیم‌گیری‌های خود مطمئن‌تر هستند و مشکلات کمتری نیز دارند. یافته دیگر پژوهش حاضر نقش پیش‌بینی‌کننده منفی معنادار عقاید خودکارآمدی تصمیم‌گیری مسیر شغلی در بی‌تصمیمی مسیر شغلی‌ها بود، این بدین معناست که دانش‌آموزان نوجوانی که اعتماد به توانایی‌شان برای تصمیم‌گیری بیشتر است، مشکلات کمتری در تصمیم‌گیری دارند که این با پژوهش‌های پژوهشگرانی همچون دی‌فایو و همکاران (۲۰۱۳)، گای، سنکال، لاروس و دسچینس (۲۰۰۶) و نتا و همکاران (۲۰۰۷) همسویی دارد. همچنین در مورد نقش پیش‌بین منفی معنادار سبک فرزندپروری مقتدرانه در بی‌تصمیمی مسیر شغلی، این نتیجه یافته‌های گزارش شده کراک (۱۹۹۷) را تأیید می‌کند. البته سازه مورد مطالعه آنها، رفتار اکتشافی مسیر شغلی بود، در حالی که در این پژوهش بی‌تصمیمی مسیر شغلی مورد مطالعه قرار گرفت و با نتیجه پژوهشی که نشان‌دهنده رابطه معکوس سبک فرزندپروری مقتدرانه با توانایی تصمیم‌گیری مسیر شغلی دانش‌آموزان بود (کوموندورو و همکاران، ۲۰۱۱)، همخوانی ندارد که یکی از دلایل این ناهمخوانی بین نتایج ممکن است تفاوت در

نتایج نشان داد در آزمودنی‌های نوجوان پسر سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه و سهل‌گیرانه، خودکارآمدی تصمیم‌گیری و هوش هیجانی دارای همبستگی منفی معنادار ( $P < ۰/۰۱$ ) با بی‌تصمیمی مسیر شغلی هستند.

برای تعیین سهم هر یک از عوامل خانوادگی و فردی (متغیرهای پیش‌بین) در پیش‌بینی بی‌تصمیمی مسیر شغلی (متغیر ملاک) از رگرسیون گام به گام استفاده شد. به این ترتیب در مرحله اول، متغیرهای پیش‌بین مربوط به عوامل خانوادگی و فردی وارد معادله شد. متغیرهایی که بیشترین سهم را در تعیین بی‌تصمیمی مسیر شغلی داشتند، مشخص گردید. سپس به ترتیب متغیرهایی که سهم بیشتری داشتند، وارد معادله رگرسیون شدند.

جدول ۲ ضرایب رگرسیون خام و استاندارد را در معادله رگرسیونی برای پیش‌بینی بی‌تصمیمی مسیر شغلی نشان می‌دهد. نتایج نشان داد، متغیرهای سبک مقتدرانه، خودکارآمدی تصمیم‌گیری مسیر شغلی، هوش هیجانی و سبک سهل‌گیرانه که وارد معادله شدند، سهم معناداری در پیش‌بینی بی‌تصمیمی مسیر شغلی داشتند، بنابراین فرضیه‌های اول، دوم، چهارم و پنجم که مربوط به این متغیرها هستند، تأیید گردید، این در حالی بود که سبک مستبدانه نقش پیش‌بینی‌کنندگی معناداری در بی‌تصمیمی مسیر شغلی نداشت، بنابراین فرضیه ششم که مربوط به این متغیر است، تأیید نگردید.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر تعیین نقش پیش‌بینی‌کنندگی هر یک از متغیرهای سبک‌های فرزندپروری، خودکارآمدی تصمیم‌گیری مسیر شغلی و هوش هیجانی در پیش‌بینی بی‌تصمیمی مسیر شغلی نوجوانان پسر بود. نتایج نشان داد سبک فرزندپروری

یکی از کاربردهای عمده پژوهش کنونی این است که سازوکارهایی که براساس آن سبک‌های فرزندپروری و عقاید خودکارآمدی و هوش هیجانی بر شکل‌گیری مسیر شغلی نوجوانان تأثیرگذار است را مشخص می‌کند. علاوه بر این نتایج پژوهش نشان داد، سبک‌های فرزندپروری والدین (مقتدرانه) و خودکارآمدی تصمیم‌گیری مسیر شغلی و هوش هیجانی نقش تعیین‌کننده در تصمیم‌گیری مسیر شغلی نوجوانان دارند که تأکید بر نقش مؤثر خانواده به‌ویژه شیوه‌های تربیتی والدین بر این مفهوم و به‌طور کلی مسیر شغلی نوجوانان دارد. برخی از محدودیت‌های این پژوهش عبارت است از؛ اولاً، یافته‌ها براساس اطلاعات خودگزارشی است، علاوه بر این چون بررسی مفاهیم همزمان است، مشکل نسبت میان علت و معلول وجود دارد، بنابراین طرح‌های پژوهشی طولی نیاز است تا اطلاعات رشدی مربوط به این مفاهیم را ثابت کند. همچنین بررسی سبک‌های فرزندپروری براساس ادراکات دانش‌آموزان نبود، بنابراین لازم است پژوهشی با بررسی سبک‌های فرزندپروری ادراک شده انجام شود. همچنان که در پژوهش پورعبدلی، کدیور، و همایونی (۱۳۸۷) یافت شد بین شیوه‌های فرزندپروری مادر با مکان کنترل و خودپنداره فرزندان رابطه معناداری وجود ندارد، اما بین ادراک دانش‌آموزان از شیوه‌های فرزندپروری مادر با مکان کنترل و خودپنداره فرزندان رابطه معناداری وجود داشت. یکی دیگر از محدودیت‌های پژوهش این بود که شرکت‌کنندگان، دانش‌آموزان نوجوان گروه سنی خاص یک ناحیه بودند که این، تعمیم نتایج به دیگر گروه‌های سنی و دیگر مناطق فرهنگی و جغرافیایی را با مشکل مواجه می‌کند، بنابراین یکی از اهداف پژوهشی آینده انجام تحقیقاتی در دیگر بافت‌های فرهنگی و جغرافیایی و نیز با همه جفت‌های جنسیتی ممکن والد - فرزند (مثل رابطه سبک اقتدار پدری و مادری با فرزند همجنس یا غیرهمجنس) است.

نتایج پژوهش کنونی بر اهمیت رابطه والد - نوجوان و نیز خودکارآمدی و هوش هیجانی برای مشاوران و خانواده‌ها تأکید می‌کند. بنابراین مشاوران می‌توانند اقداماتی در بررسی نوع سبک فرزندپروری، سطح خودکارآمدی و هوش هیجانی و همچنین آموزش مهارت‌های فرزندپروری به‌منظور حل مشکلات بی‌تصمیمی مسیر شغلی نوجوانان انجام دهند. خانواده‌ها نیز می‌توانند فرایندهای افزایش خودکارآمدی را (مثل تجارب موفقیت‌آمیز، یادگیری جانشینی، تشویق و ترغیب اجتماعی و روش‌های تنظیم عواطف و غیره) به‌منظور افزایش خودکارآمدی دانش‌آموزان به‌کار برند.

نمونه‌های مطالعاتی و یا آزمون‌های مورد استفاده باشد. یافته دیگر این پژوهش نقش معنادار نداشتن سبک مستبدانه در پیش‌بینی بی‌تصمیمی مسیر شغلی نوجوانان بود. این نیز بدین معناست که فرایند تصمیم‌گیری در نوجوانان هیچ‌گونه ارتباطی با سلطه شدید والدین ندارد. چون ممکن است تسلط و محدودیت ناشی از این سبک باعث شود که نوجوان به توانایی‌های خود اعتماد نداشته باشد و یا اضطراب شدیدی را تجربه کند که این باعث ایجاد مشکل در تصمیم‌گیری وی می‌شود. از سویی دیگر توقعات بالای والدین مستبد در بعضی از خانواده‌ها باعث می‌شود که نوجوان خود را ملزم به برآوردن انتظارات والدین خود ببیند و در نتیجه توانایی تصمیم‌گیری او بیشتر می‌شود. این یافته از پژوهش ناهمسو با یافته‌های پژوهش تراستی (۱۹۹۸) است که نقش منفی محیط مستبدانه خانوادگی در فرایند تصمیم‌گیری مسیر شغلی را یافتند. این در حالی است که پژوهش‌های دیگری (لیز و داهلبک، ۲۰۰۹ و ویستون، ۱۹۹۶) رابطه معکوس و یا هیچ‌گونه رابطه‌ای را بین سبک مستبدانه والدینی و عوامل تصمیم‌گیری مسیر شغلی گزارش نکردند. همچنین کوموندورو و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهش خود رابطه مثبت معنادار سبک مستبدانه در پسران را با مشکلات تصمیم‌گیری مسیر شغلی یافتند. همچنین براساس نتایج پژوهش کنونی هوش هیجانی بی‌تصمیمی مسیر شغلی نوجوانان را به‌صورت معنادار منفی پیش‌بینی می‌کند، بنابراین فرض بر این است که دانش‌آموزانی که تنظیم هیجانات بیشتری دارند، در تصمیم‌گیری مسیر شغلی عملکرد بهتری دارند، همچنین اسلاسکی و کارت رایت<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) نیز بر این باور بودند که هوش هیجانی عامل مهمی در تعیین موفقیت‌های زندگی و سلامت روانی است، چون بر توانایی افراد برای مقابله مؤثر با فشارها و تقاضاهای محیطی تأثیر می‌گذارد، این یافته پژوهش همسو با یافته‌های براون و همکاران (۲۰۰۳)، دی‌فایبو و بولوستین (۲۰۱۰) و دی‌فایبو و پالازسچی (۲۰۰۸) است. پژوهش‌هایی که بندورا<sup>۳</sup> (۱۹۹۷)؛ ریان و دسی<sup>۴</sup> (۲۰۰۰)؛ کاراداماس<sup>۵</sup> (۲۰۰۶)؛ وریسیمو<sup>۶</sup>، ۲۰۰۵؛ نقل از رستمی و همکاران، ۱۳۸۹) حاکی از رابطه مستقیم بین مؤلفه‌های هوش هیجانی و خودکارآمدی است. می‌توان گفت افرادی که هوش هیجانی بالاتری دارند خوشبین‌تر هستند، بنابراین این افراد توانایی‌های خود را مثبت ارزیابی می‌کنند و ترس از تصمیم‌گیری ندارند و تصمیمات بهتری اتخاذ می‌کنند. به‌طور کلی نتایج نشان داد که عوامل خانوادگی (سبک‌های فرزندپروری) و فردی (خودکارآمدی تصمیم‌گیری و هوش هیجانی) در کنار یکدیگر بی‌تصمیمی مسیر شغلی را پیش‌بینی می‌کنند.

1. Lease & Dahlbeck  
3. Bandura  
5. Karademas

2. Slaski & Cartwright  
4. Ryan & Deci  
6. Verrisimo

## منابع

- Creed, P.A., & Patton, W. (2003). Predicting two components of career maturity in school based adolescents. *Journal of Career Development*, 29, 277–290.
- Creed, P.A., Patton, W., & Watson, M. (2002). Cross-cultural equivalence of the Career Decision-Making Self-Efficacy Scale–Short form: An Australian and South African comparison. *Journal of Career Assessment*, 10(3), 327–342.
- Crites, J.O. (1961). A model for the measurement of vocational maturity. *Journal of Counseling Psychology*, 8, 255–259.
- Desjardins, J., Zelenski, J., & Coplan, R. (2008). An investigation of maternal personality, parenting styles, and subjective well-being. *Personality and Individual Differences*, 44, 587–597.
- Di Fabio, A., & Blustein, D. (2010). Emotional intelligence and decisional conflict styles: Some empirical evidence among Italian high school students. *Journal of Career Assessment*, 18, 71–81.
- Dietrich, J., & Kracke, B. (2009). Career-specific parental behaviors in adolescents' development. *Journal of Vocational Behavior*, 75, 109–119.
- Di Fabio, A., & Palazzeschi, L. (2008). Careerdecision difficulties and emotional intelligence: Some empirical facts on a sample of Italian apprentices. *Pratiques Psychologiques*, 14, 213–222.
- Di Fabio, A., Palazzeschi, L., Asulin-peretz, L., & Gati, I. (2013). Career indecision versus indecisiveness associations with personality traits and emotional intelligence. *Journal of Career Assessment*, 20(1), 42–56.
- Flum, H. (2001). Relational dimensions in career development. *Journal of Vocational Behavior*, 59, 1–16.
- Goleman, D. (1995). *Emotional intelligence*. New York: Bantam Books.
- Goleman, D. (1998). *Working with emotional intelligence*. New York: Bantam Books.
- Guay, F., Ratelle, C.F., Senécal, C., Larose, S., & Deschenes, A. (2006). Distinguishing developmental from chronic career indecision: Self-efficacy, autonomy, and social support. *Journal of Career Assessment*, 42(2), 235–251.
- Guay, F., Senécal, C., Gauthier, L., & Fernet, C. (2003). Predicting career indecision: A self-determination theory perspective. *Journal of Counseling Psychology*, 50(2), 165–177.
- Hartman, B., Fuqua, D., & Hartman, P. (1983). The construct validity of the Career Decision Scale administered to high school students. *Vocational Guidance Quarterly*, 31, 250–258.
- Hartman, B., Fuqua, D., Blum, C., & Hartman, P. (1985). A study of the predictive validity of the Career Decision Scale in identifying longitudinal patterns of career indecision. *Journal of Vocational Behavior*, 27, 202–209.
- اسفندیاری، غ. (۱۳۷۴). بررسی و مقایسه شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان مبتلا به اختلال رفتاری و مادران کودکان بهنجار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، انستیتو روانپزشکی ایران.
- بیابانگرد، ا. (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران: نشر دوران.
- رستمی، ر.، شاه‌محمدی، خ.، قائدی، غ.، بشارت م.ع.، اکبری زردخانه، س.، نصرت‌آبادی، م. (۱۳۸۹). رابطه خودکارآمدی با هوش هیجانی و حمایت اجتماعی ادراک شده در دانشجویان دانشگاه تهران، فصلنامه افق دانش: فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی گناباد، دوره ۱۶، شماره ۳.
- پورعبدلی، م.، کدیور، پ.، همایونی، ع. (۱۳۸۷). ارتباط بین شیوه‌های فرزندپروری مادر و فرزندپروری ادراک شده با مکان کنترل و خودپنداره فرزندان، فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، شماره ۳۷، صص ۱۲۸–۱۰۷.
- عریضی، ح.ر.، عابدی، ا. (۱۳۸۴). بررسی رابطه انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان با ویژگی‌های خانوادگی آنان. فصلنامه خانواده‌پژوهشی، سال اول، شماره ۲، صص ۱۳۹–۱۴۷.
- کریمی، ج. (۱۳۸۷). اثربخشی آموزش مهارت‌های تصمیم‌گیری شغلی بر خودکارآمدی تصمیم‌گیری شغلی و بی‌تصمیمی شغلی دانشجویان دانشگاه اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره شغلی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
- مارانی، م. (۱۳۸۲). هنجاریابی پرسشنامه ویژگی‌های هوش عاطفی در بین دانشجویان و دانش‌آموزان شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
- Bandura, A. (1997). *Self-efficacy: The exercise of control*. New York: Freeman.
- Betz, N.E., Klein, K.L., & Taylor, K.M. (1996). Evaluation of a short form of the Career Decision-Making Self-Efficacy scale. *Journal of Career Assessment*, 4, 47–57.
- Blustein, D.L. (2001). Extending the reach of vocational psychology: Toward an inclusive and integrative psychology of working. *Journal of Vocational Behavior*, 59, 171–182.
- Brown, C., George-Curran, R., & Smith, M. (2003). The role of emotional intelligence in the career commitment and decision-making process. *Journal of Career Assessment*, 11(4), 379–392.
- Creed, P., Patton, W., & Prideaux, L.A. (2006). Causal relationship between career indecision and career decision-making self-efficacy: A Longitudinal cross-Lagged Analysis. *Journal of Career Development*, 33(1), 47–65.
- Creed, P., Patton, W., & Bartrum, D. (2004). Internal and external barriers, cognitive style, and the career development variables of focus and indecision. *Journal of Career Development*, 30, 277–294.

- Hartman, B.W., & Hartman, P.T. (1982). The concurrent and predictive validity of the Career Decision Scale administered to high school students. *Psychological Reports, 52*, 95-100.
- Karademas, C.E. (2006). Self-efficacy, social support and well-being: The mediating role of optimism. *Personality and Individual Differences, 40*, 1281-1290.
- Kornspan, A.S., & Etzel, E.F. (2001). The relationship of demographic and psychological variables to career maturity of junior college student-athletes. *Journal of College Student Development, 42*, 122-132.
- Koumoundourou, G., Tsausis, I., & Kounenou, K. (2011). Parental influences on Greek Adolescents Career decision- making difficulties: The mediating role of core self- evaluations. *Journal of Career Assessment, 19*(2), 165-182.
- Kracke, B. (1997). Parental behaviors and adolescents' career exploration. *The Career Development Quarterly, 45*, 341-350.
- Kraus, L.J., & Hughey, K.F. (1999). The Impact of an Intervention on Career Decision-making Self Efficacy and Career Indecision. *Professional School Counseling, 2*, 384-390.
- Lease, S.H., & Dahlbeck, D.T. (2009). Parental influences, career decision-making attributions, and self-efficacy: Differences for men and women. *Journal of Career Development, 36*, 95-113.
- Lent, R.W., Brown, S.D. (2013). *Career Development and Counseling: Putting Theory and Research to Work*. (2ed. p147-183). Hoboken, New Jersey: *John Wiley & Sons*.
- Luzzo, D.A. (1995). The relative contributions of self-efficacy and locus of control to the prediction of career maturity. *Journal of College Student Development, 36*, 61-66.
- Nota, L., Ferrari, L., Solberg, V.S., & Soresi, S. (2007). Career search self-efficacy, family support, and career indecision with Italian youth. *Journal of Career Assessment, 15*, 181-193.
- Petrides, K.V., & Fureham, A. (2003). Trait emotional intelligence: Behavioural validation in two studies of emotion recognition and reactivity to mood induction. *European Journal of Personality, 17*, 39-57.
- Rogers, M.E., Creed, P.A., & Glendon, A.I. (2008). The role of personality in adolescent career planning and exploration: A social cognitive perspective. *Journal of Vocational Behavior, 73*, 132-142.
- Ryan, M.R., & Deci, L.E. (2000). Self-Determination Theory and the Facilitation of Intrinsic Motivation, Social Development, and Well-Being. *Ame Psych, 55*, 68-78.
- Salovey, P., & Mayer, J.D. (1990). Emotional intelligence. *Imagination, Cognition, and Personality, 9*, 185-211.
- Saiti, A., & Mitrosili, E. (2005). Parental perception of the education of their adolescent children: Evidence from Greek secondary education. *Journal of Career and Technical Education, 22*, 9-30.
- Santos, P.J., & Coimbra, J.L. (2000). Psychological separation and dimensions of career indecision in secondary school students. *Journal of Vocational Behaviour, 56*, 346-362.
- Schmitt-Rodermund, E., & Vondracek, F.W. (1999). Breadth of interests, exploration, and identity development in adolescence. *Journal of Vocational Behavior, 55*, 298-317.
- Slaski, M., Cartwright, S. (2002). Health, Performance and Emotional Intelligence: An Exploratory Study of Retail Managers. *Stress and Health, 18*.63-68.
- Super, D.E., Savickas, M.L., & Super, C.M. (1996). A life-span, life-space approach to career development. In D. Brown, & L. Brooks (Eds.), *Career choice and development* (3rd ed., pp. 197-261). San Francisco, CA: Jossey-Bass.
- Trusty, J. (1998). Family influences on educational expectations of late adolescents. *The Journal of Educational Research, 91*, 260-270.
- Watson, M.B., Brand, H.J., Stead, G.B., & Ellis, R.R. (2001). Confirmatory factor analysis of the Career Decision-Making Self-Efficacy Scale among South African university students. *Journal of Industrial Psychology, 27*(1), 143-146.
- Whiston, S.C. (1996). The relationship among family interaction patterns and career indecision and career decision-making self-efficacy. *Journal of Career Development, 23*, 137-149.
- Young, R.A., Valach, L., & Collin, A. (1996). A contextual explanation of career. In D. Brown, L. Brooks, & Associates (Eds.), *Career choice and development* (3rd ed., pp. 477-512). San Francisco: *Jossey- Bass*.